



پدر راضیه و رضا ریاضی دان است .

او کتاب های زیادی درباره ی ریاضی نوشته است .

بعضی شب ها او تا صبح بیدار می ماند .

یکی از کتاب های او در مسابقه برنده شده است .

رضا بسیار خوش حال است.

جایزه ی پدر او سفر به مشهد است .

او می خواهد به زیارت امام رضا برود و برای سلامتی همه ی بیماران دعا کند.

ان ها قرار است که اخر هفته به مشهد بروند راضیه به مادر کمک کرد تا چمدان را آماده کند و از این که به مادر کمک کرد بسیار خوش حال است

در

بازخورد:

Blank area for feedback with horizontal lines.

